

جغرافیای سیاسی، اقتصادی بین‌النهرین

بهرام امیراحمدیان*

پژوهشگران این ناحیه میان دجله و فرات را «بین‌النهرین» می‌نامند. این فرهنگ یکی از چهار تمدن بزرگ روزگاران باستان بوده است. سه فرهنگ دیگر هم در کنار رودخانه‌ها پدید آمده‌اند: مصر در کنار رود نیل، هند در کنار رودهای سند و گنگ و چین در کنار رودهای وی و هوانگ‌هو. این چهار فرهنگ ویژگیهای مشترک بسیاری داشته‌اند ولی مستقل از یکدیگر پدید آمده‌اند. تا سده بیستم میلادی باستان‌شناسان کشف کردند که بین‌النهرین نخستین این تمدنها و آن بوستان «گاهواره تمدن» بود و این نامی مناسب است برای جایی که نخستین تمدن «نوزاد» در آن بالیدن گرفت (کلاریس سوبیشر، ۱۳۸۳، ص ۹).

بین‌النهرین در جنوب رمادی (حدود ۱۱۰ کیلومتری غرب بغداد)، واقع بر کرانه فرات، ز پیچ دجله در پایین سامرا (حدود ۱۱۰ کیلومتری غربی بغداد)، سرزمینی هموار و آب‌رفتی است. از بغداد تا دهانه اروندرود، تفاوت ارتفاع از سطح دریا حدود ۱۰ متر است. در منتهی‌الیه آن، ناحیه‌ای شامل باتلاقها و نیزارهایی وسیع موسوم به «هور» قرار دارد. میزان آب موجود در نتیجه میانگین دمای زیاد و ریزشهای جوی بسیار اندک، منظم نیست، زمینهای دشت، سخت و خشک است و دست کم در

بین‌النهرین در ادبیات به سرزمین واقع در بین دو رود دجله و فرات در منطقه باستانی واقع در جنوب غرب آسیا (عراق کنونی)، بین فلات ایران و شمال فلات عربستان، گفته می‌شود که یونانیها آن را مسوپوتامیا (بین دو رود) می‌نامیدند. احتمالاً از ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد، انسان در آن سکونت گزیده است. این سرزمین خاستگاه شماری از تمدنهای نخستین، چون سومر، بابل، اکد و اسور بوده است.

این منطقه از شرق به جلگه خوزستان، از شمال شرقی به کوههای زاگرس، از شمال به بلندیهای آنتی - توروس، از شمال غربی به بادیه‌الشام، از غرب و جنوب غربی به لبه شرقی فلات عربستان و از جنوب شرقی به خلیج فارس محدود می‌شود. دو رود پرآب دجله و فرات در این محدوده جریان دارند. در نزدیکی بغداد این دو رود به هم نزدیک می‌شوند که اعراب آن را «رافدان» می‌نامند.

در روزگاران باستان، در بخش جنوبی عراق امروز، گروهی از مردم در دل صحرا، بوستانی ساختند. قرن‌ها بعد این ناحیه کوچک کشاورزی، سومر نام گرفت و همچنان که فرهنگ این مردم گسترش می‌یافت، نواحی بزرگتر هم نامهای دیگری به خود گرفتند. امروزه

هشت ماه از سال برای زراعت مناسب نیست. از این رو زراعت، که ظاهرًا در هزاره دهم پیش از میلاد در مناطق مرتفعتر آغاز شده بود، زمانی در خود بین‌النهرین، یعنی کانون واقعی تمدن، شروع شد که آبیاری و زهکشی مصنوعی ابداع و آب از طریق شبکه بسیار گسترده‌ای از نهرها به سرزمینهای وسیع آورده شد با آبیاری و زهکشی مناسب، بین‌النهرین جنوبی سرزمینی آباد شد که جمعیت زیادی را تغذیه می‌کرد. سرانجام ساکنان جنوب بین‌النهرین برتری فرهنگی را، که شاید در ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد از آن بین‌النهرین بود، از آن خود کردند و دولت - شهرهایی چون اریدو، اور، لارسا، لاکاش، نیپور، اکد و بابل را در آنجا شکل دادند (د. بریتانیکا، ذیل ماده).

طبیعت جلگه پهناور بین‌النهرین را، که فرات و دجله در آن جاری است، دو قسمت نموده، قسمت شمالی که سرزمین آشور است، بیشتر از مرایمی تشکیل یافته، دشتی سنگلاخی را پوشانده است. قسمت جنوبی که بابل قدیم است، سرزمینی است حاصلخیز که خاکی رسوبی و نخیلاتی پربرکت دارد و نهرهایی که در آنجا کشیده شده، آن سرزمین را سیراب می‌کند و به همین لحاظ مردم خاورزمین آن را یکی از جنات اربعه می‌دانستند. عربها قسمت شمالی بین‌النهرین را «جزیره» و قسمت جنوبی را «عراق» می‌نامیدند. عراق به معنی صخره‌های کنار دریا نیز آمده، ولی معلوم نیست اصل این کلمه چه بوده، شاید از اسم کهنه‌ای ماخوذ شده باشد که اکنون آن اسم از میان رفته یا از اسمی که معنی دیگری داشته است، پیدا شده باشد. اساساً سرزمین رسوبی را اعراب «سواد»، یعنی خاک سیاه، می‌نامیدند و کلمه سواد رفته رفته به طوری استعمال شد که مفهوم آن با کلمه عراق یکی گردید، یعنی «سواد» و «عراق» یک معنی داشت و عبارت بود از تمام سرزمین بابل. سرحد بین عراق و جزیره در دوره‌های مختلف تغییر پیدا می‌کرد. جغرافی‌نویسان قدیم عرب حدی را که معین می‌کردند، خطی بود که به طرف شمال از انبار واقع در ساحل فرات به تکریت، واقع در ساحل دجله، کشیده می‌شد و این دو شهر هر دو از توابع عراق بودند (گای لسترینج، ۱۳۶۴، ص ۲۶).

بنا به نوشته جیهانی در کتاب «اشکال‌العالم»، «جزیره» از نظر اعراب میان دجله و فرات است، رسنده بر قبیله‌های ریبمه و مضر، و جای بیرون آمدن آب فرات از درون شهرهای روم است از ملطیه بر دو روز راه، راه میان آن و میان سمامت می‌گذرد و بر پل منج و بالس، بازقین تا قرقسیا و رجه و هیت و انبار، حدفرات نزدیک

جزیره بریده می‌شود. او می‌گوید: «پس بر جانب شمال راست می‌شود تا تکریت و شاخه‌ها می‌شود تا به دجله، پس به دیگر حد فرات می‌رسد، از نزدیک جزیره تا موصل و جزیره بنی عمر، پس می‌گذرد تا آمد». دجله از بعضی حدود ارمنیه سرچشمه می‌گیرد. بر جانب شرقی و غربی دجله و فرات، شهرهایی است که به جزیره نسبت می‌کنند، اگرچه از آن نیست به جهت نزدیکی به جزیره. جیهانی در ذکر شهرهای جزیره از نصیبین، موصل، بلد، ستجار، دارا، راس‌العین، آمد، جزیره بن عمر، حدینه، رقه و رافعه، حران، رها، قرقسیا، انبار، زابان، تکریت، حصن مسلمه، نام می‌برد (جیهانی، ۱۳۶۸، ص ۹۳-۹۴).

جیهانی در ذکر عراق عرب می‌گوید: اما عراق عرب از حد تکریت است تا عبادان بر دریا و پهنای آن به بغداد و کوفه از حد قادسیه است تا حلوان و پهنای آن از واسط است تا طیب، و پهنای آن به بصره تا جبی است و آنچه گرد آن می‌گردد، تکریت است به جانب مشرق تا می‌گذرد به حد شهر زور و می‌گردد بر کناره‌های حلوان و حدود سیروان و صیمره و حدرد طیب و سوس، تا می‌رسد به کناره‌های جبی تا دریا. پس بر این حد از تکریت تا دریا کژی باشد بر شکل کمائی، و باز می‌گردد تا حد مغرب از پس بصره در بادیه تا واسط، پس بر سواد کوفه، پس می‌کشد بر پشت فرات تا انبار و در این حد از دریا تا حد تکریت هم کژی باشد، این است آنچه به حدود عراق محیط است و صورت آن نموده شد. واللہ اعلم (ص ۹۳).

همو در ذکر شهرهای عراق عرب از شهرهای بصره، ابله، واسط، کوفه، قادسیه، حیره، بغداد، صرصر، نهرالملک، کربلا، سامره، خورنق، نهران، مداین، بابل، کوئی، حلوان، دسکره و عکبرا، بردان و نعمانیه و دیرالاقول و فم‌الصالح، نام می‌برد (ص ۱۰۰-۱۰۱).

در قرن چهارم هجری در کتاب حدودالعالم در مورد جزیره گفته شده است: «ناحیتی است که از چهار سوی آب است از دو رود یکی دجله و دیگر فرات و از بهر آن این ناحیت را جزیره خوانند و این ناحیتی است آبادان و با نعمت و مردم بسیار، و هوای درست و آبهای روان و اندر وی کوه است و شهرهاست بسیار، و سوادها خرم و باغها و بوستانهای معروف به خرمنی و اندر وی مردمانی بسیارند. از قبیله ریبمه، و اندر وی مردمان خوارچ‌اند بسیار.» مولف کتاب از شهرهای جزیره موصل، بلد، برقمید، ادرمه، نصیبین، دارا، کفرتتا، راس‌العین، دیا و رعنی، رقه، رایقه، قرقسیا، رجه، والیه، عانه، هیت، انبار را نام برده و اضافه می‌کند که: «و این شهرها کی از رقه تا انبار است همه بر لب رود فرات نهاده است.» او بالسن،



حران، سروج، رها، جزیره ابن عمر حدیثه و سن را از دیگر شهرهای جزیره نام می‌برد.

در باب عراق عرب، مولف نامعلوم حدود العالم می‌نویسد: «ناحیتی است مشرق وی بعضی حدود جبال، و جنوب وی بعضی خلیج عراق است و بعضی بادیه بصره و مغرب وی بادیه بصره است و آن کوفه، و شمال وی بعضی از حدود آذربایگان و این ناحیتی است به میان جهان نزدیک و آبادترین ناحیتی است اندر اسلام و اندر وی آبها روان است و سوادهای خرم و جای بازرگانان و خواسته بسیار و مردم بسیار و عالمان بسیار و مستقر پادشاهان بزرگ و این ناحیتی گرمسیر است و از وی خرما خیزد کی به همه جهان به‌برند و جامهای گوناگون و بیشتر الاتی کی ملوک را شاید، از این ناحیت خیزد.» مولف، شهرهای بغداد، مداین، نهمانه، جبل، جرجای، واسط، عبدسی، نیم‌رودی، ابله، بصره، بیان، سلمانان، عبادان، مادرایه، اسکاف بنی‌جنید، نهروان، جلولا، خانقین، قصرشیرین، حلوان، کوئی، ریا، بابل، صرص، نهرالملک، قصرین هبیره، جامعین، کوفه، حیره، قادیسه، بردان، عکبر، سامره، کرخ، دون، تکریت را جزو عراق عرب برمی‌شمارد (حدودالعالم، ص ۱۵۰-۱۵۴).

مسعودی در شرح اقلیم چهارم در اشاره به عراق عرب در کتاب «التبئیه و الاشراف» می‌نویسد: «محل عراق محل تلاقی دجله و فرات و نقاط مجاور آن است و آن قلمرو

سیاه‌بوم است که حد آن از زابی است که از بالای سر من رای تا حدود سن و تکریت تا ناحیه حلوان که مجاور جبل است و تا هیت که مجاور فرات است و تا شام و تا واسط که زیر دجله است و تا کوفه که آبخور فرات است و تا هتدف و بادریا و پاکاسیا که به نبطی ترقف نام دارد و سرزمینی جوخی است و این زمین سرگل ایران‌شهر است که ملوک اقوام در راه آن جانفشانیه کرده‌اند و از رای درست بیلاق در جبال داشتند تا از سموم عراق و مگس و حشرات آن در امان باشند و قشلاق به عراق می‌کردند تا از سرمای جبل و برق و باران و گل فراوان آن آسوده باشند. ابودلف قاسم بن عیسی عجلی چنین می‌کرد و به عنوان تفاخر ضمن شعری مفصل گفته بود: «من مردی خسروی رفتارم که در جبال بیلاق و عراق قشلاق می‌کنم. برای جنگ لباس جنگی می‌پوشم و با زره‌پوشان معانقه می‌کنم.» (مسعودی، ۱۳۸۱، ص ۳۷-۳۹).

اصطخری در مسالک و ممالک در ذکر جزیره گفته است: «و اما جزیره فانها مابین دجله و الفرات. یعنی جزیره آن است کی میان دجله و فرات است، و دیار ربیع

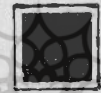
و مضر آنجاست و بر جانب شرقی دجله و غربی فرات شهرها و دیهها هست کی آن را به جزیره باز خوانند و اگرچه با آن نیست و به حکم نزدیکی (اصطخری، ۱۳۶۸، ص ۷۵). همو در ذکر دیار عراق می‌گوید: «درآزای عراق از حد تکریت گیرند تا عبادان و عرض از بغداد تا کوفه تا قادیسه تا حلوان و از واسط تا طیب و قرقوب و از بصره تا حدود جبی و از حد تکریت تا شهر زور، و از حد حلوان و سیروان و صیمره و حدود سوس دیگر باره تا جبی تا دریا. از این حد تکریت تا به دریا تقویسی باشد و بگردد تا سواد کوفه تا فرات تا انبار تا تکریت میان دجله و فرات و درین حد از دریا تا تکریت هم چنین تقویسی باشد. این چه ذکر رفت محیط حدود عراق است والله اعلم.» (اصطخری، ص ۸۱)

حمدالله مستوفی در قرن هشتم هجری در کتاب نزهةالقلوب در ذکر عراق عرب می‌نویسد: «حدودش تا بیابان نجد و دریای فارس و ولایت خوزستان و کردستان و دیار بکر پیوسته است و طولش از تکریت تا عبادان صدویست‌وپنج فرسنگ و عرض از عقبه حلوان تا قادیسه محاذی بیابان نجد هشتاد فرسنگ مساحتش

باشد ده هزار فرسنگ.» (ص ۲۸) همو در ذکر شهرها و قصبات معروف این دیار از کوفه، بغداد، بقوبه، تکریت، تل‌عفر، حربی، حله، حلوان، حیره، خانقین، دجیل، دقوق، غانه، عکبر، قادیسه، قوسان، مداین، نهروان، نهمانه و واسط یاد

می‌کند (ص ۲۸-۴۷). مستوفی در ذکر دیاربکر و ربیع در باب نهم کتاب خود می‌نویسد: «در صور الاقلیم آن را جزیره می‌خوانند بیست‌ونه شهر است و گرمسیر و حدودش با ولایات روم و ارمن و شام و کردستان و عراق عرب پیوسته است و شهر موصل دارالملک آنجاست.» وی در ذکر نام شهرهای این دیار از شهرهای موصل، اربیل، ارزن، آمد، دیاربکر، جزیره، جسار، بوازج، حانی و سیلوان، حران، حصن، کیفا، رقه، دیار ربیع، سنجار، عمادیه، قرقیسیا، ماردین، میافارقین، نصیبین، نینوی و برخی دیگر نام می‌برد (ص ۱۰۲-۱۰۶).

جغرافی‌نویسان بعدی حد عراق و جزیره را خطی قرار دادند که از تکریت تقریباً به سمت باختر کشیده می‌شد و بدین ترتیب بسیاری از شهرهای ساحلی فرات را که در شمال انبار قرار داشت، داخل در منطقه عراق نمودند. این خط از لحاظ جغرافیای طبیعی برای تفکیک عراق از جزیره طبیعیت به نظر می‌رسید، زیرا این خط فرات را زیرعانه، در محلی که این شط به طرف جنوب خمیدگی پیدا می‌کند، قطع می‌نماید. اعراب این شط را که «یفرانس» نام داشت، الفرات نام دادند و «تایگراس» را



دجله نامیدند. دجله در تورات به نام دیگلات که به قسمت دوم کلمه حنائل نزدیک وارد گردیده. حداقل (بدون حرف تعریف) در کتاب تکوین تورات، همان دجله است. چون مسلمین در نیمه اول قرن اول هجری عراق را فتح کردند، تیسفون را که در کنار دجله و مهمترین شهرهای عراق و پایتخت زمستانی سلاطین ساسانی بود، «مدائن» نامیدند و چون اعراب برای مسکن خود شهرهایی لازم داشتند که پایگاه نظامی آنها هم بوده باشد، در مدت کمی سه شهر کوفه، بصره و واسط را ساختند که در اندک زمانی این سه شهر چنان رونق یافتند و آباد شدند که مهمترین بلاد این اقلیم جدید اسلامی گردیدند. مخصوصاً کوفه و بصره هر کدام مدتی پایتخت دولت امویان شدند و چون خلافت از امویان به عباسیان رسید، اوضاع چنین اقتضا کرد که پایتخت جدیدی برای دولت تازه درست شود، از این جهت خلیفه دوم عباسی بغداد را در کنار دجله، چند فرسخ بالای تیسفون (مدائن)، بنا کرد و دبری نباید که این پایتخت جدید رونق و شکوه و جلال دمشق را، که موجب فخر و مباهات سلسله امویان بود، تحت الشعاع خود ساخت و مرکز خلافت عباسیان و طبعاً پایتخت عراق بود که قلب ممالک اسلامی خاورزمین گردیده بود (لسترنج، ص ۲۷).

بنابر آنچه گذشت، بین‌النهرین واژه‌ای ناشناخته در جغرافیا و تاریخ اسلامی و شرقی است و بیشتر ترجمه مسوپوتامیای یونانی است. می‌توان واژه فارسی معادل آن را «میانرودان» نامید. ولی در عین حال، عراق و جزیره، واژگانی قدیمی و تاریخی‌اند که به جهت وجود کشوری به نام عراق، کاربرد واژگان عراق و جزیره برای بخشهای جنوبی و شمالی این سرزمین خالی از اشکال نیست. در زیر نگاهی گذرا به جغرافیای عراق به عنوان کشور اصلی بین‌النهرین و بغداد و کوفه، دو شهر مهم اسلامی منطقه، خواهیم داشت.

جغرافیای عراق

عراق (به زبان عربی «الجمهورية العراقية») در همسایگی غرب ایران با ۴۳۳۹۷۰ کیلومترمربع مساحت (به استثنای سهم عراق از نیمی از منطقه بی‌طرف ۲۲۵۰ کیلومترمربعی مشترک با عربستان سعودی) در آسیای جنوب غربی واقع شده و پایتخت آن، شهر بغداد است. این کشور در سال ۱۹۹۵ حدود ۲۲۱۴۴۰۰۰ نفر جمعیت داشته است. قلمرو عراق کنونی از قرن شانزدهم به بعد در ترکیب حکومت عثمانی قرار داشت و از کشورهای عربی جدیدالتاسیسی است که پس از خاتمه جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی و در قالب

دجله در تورات به نام دیگلات که به قسمت دوم کلمه حنائل نزدیک وارد گردیده. حداقل (بدون حرف تعریف) در کتاب تکوین تورات، همان دجله است. چون مسلمین در نیمه اول قرن اول هجری عراق را فتح کردند، تیسفون را که در کنار دجله و مهمترین شهرهای عراق و پایتخت زمستانی سلاطین ساسانی بود، «مدائن» نامیدند و چون اعراب برای مسکن خود شهرهایی لازم داشتند که پایگاه نظامی آنها هم بوده باشد، در مدت کمی سه شهر کوفه، بصره و واسط را ساختند که در اندک زمانی این سه شهر چنان رونق یافتند و آباد شدند که مهمترین بلاد این اقلیم جدید اسلامی گردیدند. مخصوصاً کوفه و بصره هر کدام مدتی پایتخت دولت امویان شدند و چون خلافت از امویان به عباسیان رسید، اوضاع چنین اقتضا کرد که پایتخت جدیدی برای دولت تازه درست شود، از این جهت خلیفه دوم عباسی بغداد را در کنار دجله، چند فرسخ بالای تیسفون (مدائن)، بنا کرد و دبری نباید که این پایتخت جدید رونق و شکوه و جلال دمشق را، که موجب فخر و مباهات سلسله امویان بود، تحت الشعاع خود ساخت و مرکز خلافت عباسیان و طبعاً پایتخت عراق بود که قلب ممالک اسلامی خاورزمین گردیده بود (لسترنج، ص ۲۷).

بنابر آنچه گذشت، بین‌النهرین واژه‌ای ناشناخته در جغرافیا و تاریخ اسلامی و شرقی است و بیشتر ترجمه مسوپوتامیای یونانی است. می‌توان واژه فارسی معادل آن را «میانرودان» نامید. ولی در عین حال، عراق و جزیره، واژگانی قدیمی و تاریخی‌اند که به جهت وجود کشوری به نام عراق، کاربرد واژگان عراق و جزیره برای بخشهای جنوبی و شمالی این سرزمین خالی از اشکال نیست. در زیر نگاهی گذرا به جغرافیای عراق به عنوان کشور اصلی بین‌النهرین و بغداد و کوفه، دو شهر مهم اسلامی منطقه، خواهیم داشت.

جغرافیای عراق

عراق (به زبان عربی «الجمهورية العراقية») در همسایگی غرب ایران با ۴۳۳۹۷۰ کیلومترمربع مساحت (به استثنای سهم عراق از نیمی از منطقه بی‌طرف ۲۲۵۰ کیلومترمربعی مشترک با عربستان سعودی) در آسیای جنوب غربی واقع شده و پایتخت آن، شهر بغداد است. این کشور در سال ۱۹۹۵ حدود ۲۲۱۴۴۰۰۰ نفر جمعیت داشته است. قلمرو عراق کنونی از قرن شانزدهم به بعد در ترکیب حکومت عثمانی قرار داشت و از کشورهای عربی جدیدالتاسیسی است که پس از خاتمه جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی و در قالب

دجله در تورات به نام دیگلات که به قسمت دوم کلمه حنائل نزدیک وارد گردیده. حداقل (بدون حرف تعریف) در کتاب تکوین تورات، همان دجله است. چون مسلمین در نیمه اول قرن اول هجری عراق را فتح کردند، تیسفون را که در کنار دجله و مهمترین شهرهای عراق و پایتخت زمستانی سلاطین ساسانی بود، «مدائن» نامیدند و چون اعراب برای مسکن خود شهرهایی لازم داشتند که پایگاه نظامی آنها هم بوده باشد، در مدت کمی سه شهر کوفه، بصره و واسط را ساختند که در اندک زمانی این سه شهر چنان رونق یافتند و آباد شدند که مهمترین بلاد این اقلیم جدید اسلامی گردیدند. مخصوصاً کوفه و بصره هر کدام مدتی پایتخت دولت امویان شدند و چون خلافت از امویان به عباسیان رسید، اوضاع چنین اقتضا کرد که پایتخت جدیدی برای دولت تازه درست شود، از این جهت خلیفه دوم عباسی بغداد را در کنار دجله، چند فرسخ بالای تیسفون (مدائن)، بنا کرد و دبری نباید که این پایتخت جدید رونق و شکوه و جلال دمشق را، که موجب فخر و مباهات سلسله امویان بود، تحت الشعاع خود ساخت و مرکز خلافت عباسیان و طبعاً پایتخت عراق بود که قلب ممالک اسلامی خاورزمین گردیده بود (لسترنج، ص ۲۷).



دجله در تورات به نام دیگلات که به قسمت دوم کلمه حنائل نزدیک وارد گردیده. حداقل (بدون حرف تعریف) در کتاب تکوین تورات، همان دجله است. چون مسلمین در نیمه اول قرن اول هجری عراق را فتح کردند، تیسفون را که در کنار دجله و مهمترین شهرهای عراق و پایتخت زمستانی سلاطین ساسانی بود، «مدائن» نامیدند و چون اعراب برای مسکن خود شهرهایی لازم داشتند که پایگاه نظامی آنها هم بوده باشد، در مدت کمی سه شهر کوفه، بصره و واسط را ساختند که در اندک زمانی این سه شهر چنان رونق یافتند و آباد شدند که مهمترین بلاد این اقلیم جدید اسلامی گردیدند. مخصوصاً کوفه و بصره هر کدام مدتی پایتخت دولت امویان شدند و چون خلافت از امویان به عباسیان رسید، اوضاع چنین اقتضا کرد که پایتخت جدیدی برای دولت تازه درست شود، از این جهت خلیفه دوم عباسی بغداد را در کنار دجله، چند فرسخ بالای تیسفون (مدائن)، بنا کرد و دبری نباید که این پایتخت جدید رونق و شکوه و جلال دمشق را، که موجب فخر و مباهات سلسله امویان بود، تحت الشعاع خود ساخت و مرکز خلافت عباسیان و طبعاً پایتخت عراق بود که قلب ممالک اسلامی خاورزمین گردیده بود (لسترنج، ص ۲۷).

نرخ رشد جمعیت عراق براساس سرشماری سال ۱۹۷۷، ۳/۲ درصد بوده که در سرشماری ۱۹۸۷، این نرخ به ۳/۱ درصد کاهش یافت.

ترکیب جمعیت عراق همچون دیگر کشورهای در حال توسعه، جوان است به طوری که در سال ۱۹۸۷ تقریباً ۵۷ درصد از جمعیت کمتر از ۲۰ سال سن داشته‌اند. دولت عراق هیچ‌گاه برنامه کاهش رشد جمعیت را به اجرا نگذاشته است. این امر به‌ویژه در طول جنگ عراق با ایران، به جهت نیاز به نیروی جوان برای جنگ، پیگیری نمی‌شد. یکی از اهداف دولت عراق، رقابت با جمعیت ایران است.

ترکیب قومی، مذهبی و زبانی جمعیت

با در نظر گرفتن این نکته که آمارهای ارائه شده در مورد عراق از اعتماد کامل برخوردار نیست با این وجود براساس آمارگیری ۱۹۸۷، دولت ۷۶ درصد جمعیت کشور را عرب، ۱۹ درصد را کرد و ۵ درصد بقیه را ترکمن، سسیحی، ایرانی، یزیدی و یهودی اعلام کرده است.^{۱۵} اسلام دین حدود ۹۰ تا ۹۵ درصد جمعیت کشور است.

جمعیت عرب کشور به دو دسته شیعه و سنی تقسیم می‌شوند. آمارهای دولتی رقم جمعیت شیعیان را ۵۵ درصد اعلام نموده است، ولی اکثر ناظرین این رقم را بالاتر اعلام می‌کنند و جمعیت شیعه عراق را حدود ۶۵ درصد می‌دانند.



در طول تاریخ عراق شیعیان از لحاظ سیاسی عمدتاً ضعیف و از نظر اقتصادی عقب‌افتاده بوده‌اند. از اوایل قرن ۱۶ میلادی، که عثمانیها همکیشان عراقی خود را از لحاظ تحصیلات و فرصتهای شغلی مورد عنایت قرار دادند، شیعیان برخلاف آنها در عرصه‌های سیاسی به فراموشی سپرده شدند. بنابراین با آنکه شیعیان بیش از نیمی از جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، اما فقط مناصب بسیار کم‌اهمیت را در اختیار گرفته‌اند. در زمینه اقتصادی نیز، صرف‌نظر از تعدادی تاجر و ملاح، شیعیان همواره در تاریخ عراق به عنوان دهقانان مزدبگیر مطرح بوده‌اند. با این حال در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰، اقدامات و خطمشیهای اقتصادی دولت تأثیرات مثبتی بر شیعیان داشته و این اقدامات سبب شد تا برخی از شیعیان به طبقات متوسط جامعه صعود نمایند.

مسیحیها در عراق حدود ۵ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. کلیسای چالدین بزرگترین کلیسای عراق است که حدود ۶۰۰ هزار نفر عضو دارد. گروههای کوچکتر مسیحی، شامل ارتدوکسها و کاتولیکهای سوری، ارمنی، ارتدوکسهای یونانی و آسوریها می‌شوند.

دارد، ولی تنها کشور حاشیه‌ای خلیج فارس است که کمترین ساحل را با آبهای آزاد دارد. همین مسئله یکی از مشکلات عراق از حیث اقتصادی، ارتباطی، نظامی و استراتژیک است که به گونه‌ای بر رفتارهای سیاسی - نظامی دولت عراق اثر گذاشته است.^۲

ساحل عراق در خلیج فارس از دهانه فاو در دهانه اروندرود شروع شده و تا بندر ام‌القصر در منتهی‌الیه خور عبدالله و مرز کویت به طول ۴۸ کیلومتر ادامه دارد. تنها بندر مهم و قابل ورود به عراق در این ساحل بندر ام‌القصر است.

ویژگیهای انسانی جمعیت

جمعیت عراق در طول تاریخ آن سرزمین، فراز و نشیب زیادی داشته است. بین قرن هشتم و دوازدهم بعد از میلاد، عراق و به‌ویژه بغداد، مرکز شکوفایی تمدن غرب بوده و در سایه این شکوفایی این منطقه گاهی جمعیتی بیش از جمعیت کنونی را در خود جای داده بود که برخی ۱۵ تا ۲۹ میلیون نفر را تخمین می‌زنند.

کاهش شدید جمعیت در قرن سیزدهم با هجوم مغولها که با قتل و کشتار مردم، ویرانی شهرها و روستاها همراه بود، آغاز شد. در این زمان سیستم پیشرفته آبیاری، که این جمعیت عظیم را از نظر کشاورزی تغذیه می‌کرد، تخریب و به حال خود رها شد.

در دوره عثمانی، به جهت عقب‌ماندگی جامعه، الگوی بافت جمعیتی عراق تغییر یافت. این تغییر بافت از قرن ۱۶ میلادی آغاز و تا صدها سال در سه ولایت موصل، بغداد و بصره ادامه یافت. این سه ولایت به عنوان بخشهای کم‌جمعیت و عقب‌مانده عثمانی به شمار می‌آمدند. در میانه سده ۱۸ میلادی سرزمین عراق کمتر از ۱/۳ میلیون نفر جمعیت را در خود جای داده بود.

در هنگام استقلال عراق در سال ۱۹۳۲، افسران انگلیسی جمعیت آن را قریب ۳/۵ میلیون نفر تخمین زدند. در اولین سرشماری که در سال ۱۹۴۷ میلادی صورت گرفت، جمعیت عراق ۳/۸ میلیون نفر اعلام شد. در سرشماری سال ۱۹۵۷، جمعیت عراق ۶/۳ و در ۱۹۶۵، برابر ۸ میلیون نفر و در سال ۱۹۷۷ حدود ۱۲ میلیون نفر بود.

بانک جهانی در نیمه دوم سال ۱۹۹۲، جمعیت عراق را ۱۹/۳ میلیون نفر تخمین زد، اما آخرین سرشماری که در عراق صورت گرفته، مربوط به سال ۱۹۸۷ است. براساس این سرشماری جمعیت عراق ۱۶/۲۷۸۰۰۰ نفر بود که نسبت به سرشماری قبلی ۳۵/۳ درصد افزایش نشان می‌دهد.^۲

اساس اقتصاد در عراق بر نفت، کشاورزی و دامپروری بنیان نهاده شده است. از اوایل دهه ۱۹۵۰ اقتصاد این کشور مانند اغلب کشورهای حوزه خلیج فارس، تحت تسلط بخش نفت قرار گرفت و درآمد‌های کشور، مستقیم و یا غیرمستقیم با اتکا به صادرات نفت تامین می‌شود.

قبل از جانشینی نفت، کشاورزی تنها تکیه‌گاه اقتصادی کشور هم به عنوان تامین‌کننده تولید ناخالص ملی و هم به عنوان عامل اصلی اشتغال نیروی انسانی به شمار می‌رفت. با ورود نفت به اقتصاد کشور، کشاورزی نقش اصلی خود را از دست داد، به طوری که در سال ۱۹۸۰ سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی به ۸ درصد رسید و سهم نیروی انسانی شاغل در این بخش نیز در همین سال به ۴۳ درصد کاهش یافت.

با توجه به درآمدهای نفتی، رژیم عراق از آغاز به دست‌گیری قدرت تلاش کرد وضعیت اقتصادی کشور را سر و سامان دهد و به اهداف حزب بعث در جهت سوسیالیستی کردن اقتصاد دست یابد. در این راستا، بسیاری از کارخانه‌های کوچک و بزرگ که در کنترل سرمایه‌داران قرار داشت، ملی اعلام شد و بازرگانی خارجی نیز در کنترل دولت قرار گرفت.

با آغاز دهه هفتاد و با بالا رفتن قیمت نفت، دوران طلایی اقتصاد عراق شروع شد و در اوایل این دهه، دولت توانست به صورت یک کشور ثروتمند نفتی در عرصه بین‌المللی اظهار وجود نماید و در صنعت نفت به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یابد. به دنبال آن در طی یک دوره کوتاه در سایه دلارهای نفتی توانست در امور صنعتی، کشاورزی و بهداشتی نتایج مثبتی را کسب کند و گام‌های گسترده‌ای را در جهت صنعتی کردن کشور بردارد. به‌صوری که پیش از حمله به خاک جمهوری اسلامی ایران، درآمد نفتی به شدت افزایش یافت و در سال ۱۹۲۹ بالغ به ۲۳ میلیارد دلار رسید. همچنین تولید ناخالص ملی این کشور به رقم بی‌سابقه ۲۱ میلیارد دلار رسید. درآمد سرانه واقعی، که در سال ۱۹۷۸ برابر ۱۸۴۰ دلار بود، در سال ۱۹۷۹ به ۲۴۵۰ دلار افزایش یافت. از نظر تولید نفت در اوپک، عراق در سال ۱۹۸۰ با تولید روزانه ۲/۷۴ میلیون بشکه در مقامی پس از عربستان قرار گرفت. تمامی این عوامل به عراق کمک کرد تا بتواند در سال ۱۹۸۰ بودجه‌ای برابر ۱۷/۷ میلیارد دلار، رقمی تقریباً دو برابر سال ۱۹۷۸ را به توسعه اقتصادی و اجتماعی خود اختصاص دهد.



جامعه یهودیها در عراق از قدمت چند هزار ساله برخوردار است. سرشماری ۱۹۴۷، تعداد یهودیان را ۱۱۸ هزار نفر تخمین زد که در بغداد، موصل و بصره متمرکز بودند. به دنبال تشکیل رژیم صهیونیستی در فلسطین، تا سال ۱۹۶۰ تقریباً اکثریت جمعیت یهودی عراق به اسرائیل مهاجرت کردند و هم‌اکنون فقط حدود ۵۰۰ نفر در عراق سکونت دارند.

ایرانیان قبلاً جمعیت زیادی را در اطراف شهرهای مقدس کربلا، نجف و بصره تشکیل می‌دادند که این عده عمدتاً در حد فاصل سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۲ و نیز سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۰ از عراق خارج شدند. در سال ۱۹۸۷ تعداد ایرانیان مقیم عراق ۱۳۳۰۰۰ نفر تخمین زده شده است.^۷

یزیدیه‌ها شامل قبیله‌ای می‌شوند که با کردها در ارتباط‌اند و در نواحی اطراف کوه سنجار سکونت دارند، هم زبان عربی و هم زبان کردی صحبت می‌کنند. آنها جامعه بسته‌ای هستند که از نظر اجتماعی اجازه ازدواج با جوامع مجاور حتی کردها را نمی‌دهند.^۸

ترکمنها حدود ۱/۴ درصد جمعیت عراق را شامل می‌شوند و در روستاهای کوهپایه‌ای شمال شرقی و به تعداد زیادی در شهرهای کرکوک و اربیل زندگی می‌کنند. ترکمنها اهل تسنند و از طبقه متوسط به‌شمار می‌روند.

جمعیت کرد عراق بیش از سه میلیون نفر تخمین زده می‌شوند که اکثریت آنها اهل تسنند و حدود ۱۳ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. این اقلیت مهم در ارتفاعات شمال شرقی و کوهپایه‌های زاگرس زندگی می‌کنند. آنها به زبان خود یعنی کردی صحبت می‌کنند و از نظر فرهنگی با اعراب کاملاً متفاوت هستند و سعی می‌کنند که هویت گروهی خود را از اعراب عراقی حفظ نمایند.

با وجود دگرگینیهایی که بین گروههای کرد و حکومت مرکزی وجود داشته، بسیاری از افراد، همچون اعراب شیعه به سوی شهرها روی آورده‌اند. شهر سلیمانیه، شهری است کاملاً کردی، اربیل دارای اکثریت کرد و در مرکز نفتی کرکوک درصد بزرگی از جمعیت را کردها شامل می‌شوند.

از نظر زبانی، ۷۵ درصد از جمعیت عراق به زبان عربی صحبت می‌کنند. بقیه جمعیت به زبان کردی، ترکی، فارسی گفت‌وگو می‌کنند. با این وجود اقلیتها در محیطهای عمومی به زبان خود صحبت می‌کنند، ولی به زبان فارسی به‌طور خصوصی و بیشتر در خانه‌ها تکلم می‌شود.^۹

وضعیت اقتصادی عراق

- Baghdad (province)
[http://www.wikipedia.org/wiki/baghdad-\(province\)](http://www.wikipedia.org/wiki/baghdad-(province))
 - "The face of Baghdad" <http://www.globalsecurity.org/or/new/2003/030411-baghdad-1.htm>
 - Chamber
 World Gazetteer. ed. D. Munro, New York, 1988
 - the Colombia, Gazetteer of the World, New York, 1983
 - "Encyclopedia of the Orient" <http://i-cias.com/e.o/baghdad.html>
 - "Encyclopedia of World Travel" ed. N. Doubleday and atl. New
 - "Lotter's Ransck Baghdad Museum" Museum,
 - "Population", Populations.com/.
 - The Middle East Patterns, Baylor
 University USA, 1989 p. 259. Colbert C. Held

:F. Basrah IRAQ povinces population.htm
 - Al-Ahbab, Kh. et al., Encyclopecia
 of Orient of Modern Iraq, Baghdad, Vol. III, 1977
 - <http://i-cias.com/eo/Encyclopecia>
 New Encyclopecia Britanica, Vol. I 1989
 - The
 - Cities of the World, Vol. IV
 - //F:BasrahAI (Basrah.htm)
 - Dr. David
 Munro, Chamber World Gazetteer, 1988
 - //F:BasrahCurretn
 Population of Iraq, basrah.htm
 - (//F:BasrahNavy Base.htm)
 - Basrah
 University //BasrahAI Basrah(basra)city.htm



- پی نوشتها
۱. Mesopotamia
 ۲. سالنامه آمزی کشور - سال ۱۳۷۵ مرکز آمار ایران - فصل آمارهای بین‌المللی
 ۳. دکتر حافظنیا، محمدرضا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، ص ۲۵۷
 4. Helen Chapin Mets. lbid p.77
 5. همان منبع
 6. Chaldean
of the Arab World, Washington D.C., p. 21-22
 7. Christine Moss, Helen. Iraq, Eastern Flank
 8. Iraq, a country study, p. 79
 9. Iraq, Eastern Flank, p. 16

با آغاز جنگ علیه ایران و از بین رفتن ذخایر آرزوی از سوی و همچنین صدماتی که به بخشهای مختلف اقتصادی وارد گردید، اقتصاد عراق از یک وضعیت شکوفایی به یک وضعیت نامطلوب تبدیل شد. به طوری که در پایان جنگ، میزان بدهیهای عراق حدود ۵۰ میلیارد دلار برآورد می‌شد. با شروع جنگ دوم خلیج فارس و حملات بی‌امان متحدین، که ناشی از حمله عراق به کویت و تصرف آن کشور بود، بسیاری از بخشهای مختلف اقتصادی آن کشور نابود شد و با برقراری تحریم نفتی چندساله عراق توسط سازمان ملل متحد، وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم عراق بسیار وخیم شد، به طوری که در این سالها درآمد سرانه آن به سطح یکی از پایین‌ترین درآمدهای سرانه در جهان رسید.

فهرست منابع

خلفه، جاسم محمد، محاضرات فی جغرافیة الطبیعیة، قاهره، ۱۹۶۱؛ صدقی، حامد محمد، مناطق تموین الخضروات، بغداد ۱۹۷۴؛ علائی، محمد، راهنمای زوار عتبات مقدسه عراق، تهران چاپخانه مرکزی؛ عانی، خالد عبدالمنعم، موسوعة العراق الحديث، بغداد، الدار العربیة الموسوعات؛ کلاریس سوشر. خاور نزدیک باستان، ترجمه عسکر بهرامی، انتشارات ققنوس، تهران ۱۳۸۳؛ لستر، جی. جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴؛ حمدالله مستوفی قزوینی. نزهة القلوب، به تصحیح گای لستر، انتشارات دیپای کتاب، چاپ اول ۱۳۶۲؛ ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، تهران ۱۳۸۱؛ کریل، عبدالله. الاتجار فی محافظة البصره؛ المیاه الجوفیه فی محافظة البصره؛ درویش، محمود فهسی و دیگران. دلیل الجمهوریة المراقیه، بغداد، ۱۹۶۰؛ محمد، ماجد سیدولی. الخصائص المناخیه لمحافظة البصره؛ سربخ، عبدالجسین جواد التركیب الداخلی لمدينة البصره؛ سوسه، احمد. تطور الری فی العراق، بغداد، ۱۹۴۶؛ سوسه، احمد. الدلیل الجغرافی العراقی، بغداد، ۱۹۶۰؛ آقامیرزا حسن خان (بدیع). تاریخ بصره؛ عبدالمحسن، سعد عبدالعزیز. السیاحة فی البصره، موسوعة البصره الحضاریه، بصره ۱۹۸۸؛ امین نقشبندی، آزاد محمد امکانات الساحیه الطبیعیة فی محافظه البصره، صناعة النفط فی محافظه البصره، موسوعة البصره الحضاریه، بصره ۱۹۸۸.

- Helen
Chapin Mets, Iraq a contry study, USA. p. 47
 - "Always leading
the ways". www.arab.net/iraq/iq-Baghdad.htm.
 - "Baghdad
", <http://www.iraqoasis.com/baghdad.html>.